

پژوهشی در خصوص جایگاه جنگ روانی در اسلام

<?xml encoding="UTF-8?">

طرح موضوع

از آن زمان که جنگ به عنوان یک پدیده مورد مطالعه قرار گرفت، جنگ روانی (1) نیز به عنوان ابزاری در خدمت جنگ بوده و بدان توجه شده است. نویسندگان غربی جنگ روانی را پدیده‌ای منتج از دو جنگ جهانی - بخصوص جنگ جهانی دوم - می‌دانند که طی آن آلمان نازی از این پدیده به طور وسیع استفاده نموده و «گوبلز» (Goebbels) رابه عنوان یکی از پیشگامان و مبتکران جنگ روانی دانسته‌اند. برخی پیشینه جنگ روانی را به عصر مغولها - به ویژه زمان چنگیز - رسانیده‌اند. (2)

به نظر نگارنده، جنگ روانی مفهوم جدیدی نمی‌باشد و مطالعه پیشینه تاریخی جنگ، بیانگر آن است که جنگ روانی همزاد با آن است؛ و کمتر جنگی است که در آن از جنگ روانی استفاده نشده باشد. اما نکته قابل تامل این که مفهوم مزبور مانند سایر مفاهیم در بستر تاریخی و همراه با تحول مقتضیات زمان و مکان، متحول بوده و سیر تطوری خود را تا به امروز پیموده است. به طوری که در عصر حاضر تکنولوژی به خدمت آن درآمده، و بر پیچیدگی آن افزوده است. درحالیکه در گذشته ابزار جنگ روانی همچون ادوات جنگی ابتدایی و ساده بوده است. در اهمیت جایگاه جنگ روانی در اسلام، به نظر می‌رسد که چندان نیازی به توضیح نمی‌باشد. امروزه لازم است در طرح هر استراتژی در راستای حفظ استقلال و تمامیت ارضی، جایگاه جنگ روانی مشخص شود. باتوجه به اینکه از یک سو جنگ روانی، روحیه طرف مقابل را مورد هدف قرار می‌دهد، و اینکه پیروزی در جنگ درواقع غلبه اراده‌ای بر اراده دیگر است؛ و از سوی دیگر مکتب اسلام اهمیت خاصی برای روح و روان انسان و جامعه قائل است؛ این بحث از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد در واقع انتخاب این موضوع جهت بررسی از آن رو است که در سایه انقلاب اسلامی که به برکت رهبریهایی حضرت امام خمینی (ره) در عصر حاضر بنیان نهاده شده است و پیامد آن بیداری افکار مسلمانان را از طرفی و مواجهه نظامی، فرهنگی غرب را از طرف دیگر در پی داشته است، ضرورت ترسیم یک استراتژی جامع که جنگ روانی نیز بخشی از آن است جایگاه ویژه‌ای را می‌طلبد. بررسی استراتژی جامع در اسلام، اگر چه همواره مورد علاقه نگارنده بوده است، اما بررسی آن با توجه به گستره آن، از حوصله این مقاله خارج است، لذا تنها به بررسی «جایگاه جنگ روانی» در اسلام می‌پردازیم. و در راستای آن سئوالهای ذیل مطرح اند که هریک به منزله عنوان و سرفصلی برای این نوشتار محسوب می‌شوند. از جمله اینکه :

جنگ روانی از دیدگاه منابع اصیل اسلامی، کتاب و سنت و عقل و اجماع چیست؟ آیا پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله - وائمه اطهار - علیهم السلام - در جنگهای صدر اسلام از جنگ روانی استفاده می‌کردند؟ ابزار جنگ روانی در جنگهای صدر اسلام چه بوده است؟ اهداف جنگ روانی چه می‌باشد؟

مفروض این نوشته جهان بینی و منابع غنی اسلام، که عبارتند از : کتاب، سنت، عقل و اجماع، می‌باشند که از اعتبار ویژه‌ای برخوردارند. و ما در پی تبیین این فرضیه هستیم که «جنگ روانی در شریعت اسلام درچارچوب

کرامت و ارزشهای والای انسانی مشروع بوده و جایگاه ویژه ای دارد، و نمونه های آن را می توان در سیره پیامبراسلام - صلی الله علیه وآله - وائمه اطهار - علیهم السلام - ملاحظه نمود.

در تعریف جنگ روانی گفته شده: « استفاده طراحی شده از تبلیغات و ابزارهای مربوط به آن، برای نفوذ در خصوصیات فکری دشمن، باتوسل به شیوه هایی که موجب پیشرفت مقاصد امنیت ملی شود» (3) از تعاریف جنگ روانی که بگذریم (4) این بحث در بین منابعی که پیرامون جهاد و جنگ در اسلام نوشته شده غریب است و بدان پرداخته نشده است. و با توجه به غنای این بحث در قرآن و روایات اسلامی و منزلتی که در ترسیم استراتژی دارد، بحث مستقلی را می طلبد. بخصوص در موقع حساس فعلی که تهاجم فرهنگی غرب متوجه جامعه و بخصوص نسل جوان ماست، وظیفه اسلامی ما ایجاب می کند که در این خصوص چاره ای اندیشیده و اسلام را آن گونه که هست به جوامع و جهان معرفی نماییم.

نوشتار حاضر در دوبخش تنظیم یافته است. در بخش اول چارچوب تئوریک مسئله از دید کتاب و سنت تبیین می شود و آنگاه به جلوه های آن در پیشینه تاریخی و بخصوص صدر اسلام یعنی جنگهای پیامبر اسلام - صلی الله علیه وآله - وائمه اطهار - علیهم السلام - می پردازد.

زمینه های تئوریک بحث

قبلاً متذکر شدیم که: جنگ روانی روحیه طرف مقابل را نشانه می رود. و برخورداری از روحیه بالا، از عوامل مهم پیروزی در جنگ است. و به طور کلی چنانچه در طول هشت سال دفاع مقدس نیز شاهد آن بودیم، برخورداری از روحیه بالا نقش تعیین کننده ای در پیروزی ایفا می نماید. اگر غرب از سلاحهای مدرن برخوردار بوده و در مقابل شوروی سابق که با غرب در حال جنگ سرد و به عبارت دیگر، جنگ روانی بسر می برد، برانواع سلاحهای پیشرفته زیردریایی، هوایی و موشکی اتکا داشت؛ جامعه اسلامی ما در سایه ایمان به غیب و بهره مندی از فرهنگ ایثار و شهادت از روحیه ایی عالی برخوردار بود. و این عامل علی رغم تلاش همه جانبه دشمنان، زمینه پیروزی نیروهای رزمنده ما را برمتجاوزین فراهم نمود. در اسلام، انسان به عنوان موجودی دوبعدی که از جنبه ملکوتی و بعد حیوانی برخوردار است؛ معرفی شده است. بالا بردن روحیه رزمنده از دید اسلام تنها محدود به میدان جنگ و رزم نیست، بلکه دارای فرایندی بلند مدت است که از بدو تولد تا لحظه موت را در برمی گیرد. و متضمن برنامه هایی برای تزکیه و تعلیم و در یک کلام «جهاد اکبر» است. اگر انسانی در سایه تعالیم روح بخش اسلام این گونه تربیت شد، نتیجه و برآیند آن، وجود رزمندگانی شجاع و مقاوم است، که اگر همه دشمنان با همه سلاحهای مدرن، آنان را مورد هجوم خود قرار دهند، کوچکترین تزلزل و شکستی در روحیه آنان بوجود نمی آید. و این تنها در فرهنگ غنی اسلام معنی و مفهوم می یابد، و دشمنان از درک آن عاجزند. براین اساس موضوع بحث را باتوجه به منابع اسلامی پی می گیریم.

قرآن کریم

در قرآن کریم آیات زیادی وجود دارد، که تلاش دارد روحیه رزمندگان اسلام را در صحنه نبرد بالا ببرد. باتوجه به اینکه اکثر این آیات ناظر به جنگهای صدر اسلام در عصر پیامبراسلام - صلی الله علیه وآله - می باشد، می توان گفت که: بخشی از این آیات درمقام پاسخگویی به جنگ روانی دشمن بوده، درصدد است آنها را خنثی نماید؛ بخش دیگری از آیات که جنبه تعرضی دارد می خواهد روحیه طرف مقابل را مورد تاثیر قرار داده به تسلیم وا دارد.

از جمله آیاتی که بیانگر بخش اول است، آیات ذیل می باشد :

«وما محمد الا رسول قد خلت من قبله الرسل افان مات او قتل انقلبتم علي اعقابكم...» (5) جز این نیست که محمد پیامبری است که پیش از او پیامبرانی دیگر بوده اند، آیا اگر بمیرد یا کشته شود، شما به آیین پیشین خود باز می گردید؟ خطاب آیه متوجه مسلمانانی است که در جنگ «احد» دومین غزه پیامبر شرکت نموده اند. در این جنگ پس از حمله مجدد دشمن و مسامحه مسلمانان در نگهداری تنگه و غفلت ناشی از جمع آوری غنائم برخلاف پیروزی اولیه، شکست سختی متوجه آنان می شود. زیرا مشرکین شایعه کشته شدن پیامبر را با تبلیغات وسیعی بین قوای اسلام منتشر می کنند که نشر این خبر دروغ بر روحیه مسلمانان اثر منفی می گذارد و قرآن بالحنی توأم با نکوهش بیان می کند که شخص مسلمان دارای رسالتی سنگین است و آیا بر فرض شهادت و یا موت پیامبر اسلام - صلی الله علیه و آله - بایستی به روش گذشته برگشت نمایید؟! قطعاً چنین نیست. آیات دیگری نیز وجود دارد که در زمانی که مسلمانان احساس ضعف و شکست می کنند، درصدد تقویت روحیه آنان است. «ان یمسسکم قرح فقد مس القوم قرح مثله...» (6) اگرچه شما (در جنگ احد) آسیبی رسید، به آن قوم نیز (دشمنان شما در جنگ بدر) آسیبی وارد شده است.

«...ان تکونوا تالمون فانهم یالمون کماتالمون و ترجون من الله ما لایرجون و کان الله علیما حکیما» (7) اگر شما رنجی می بینید، آنان نیز چون شما آزار می بینند، ولی شما از خدا چیزی را امید دارید که آنان امید ندارند و خدا دانا و حکیم است. قرآن از قول خداوند خطاب به موسی - علیه السلام - برای تحت تاثیر قرار دادن دشمن می فرماید «فقلولاله قولاً لینا لعله یتذکر اویخشی» (8) پس با او به نرمی سخن گوئید، شاید پندگیرد یا بترسد. با وجود آنکه خداوند می داند که فرعون متاثر نمی شود، چنین تعلیمی را به موسی - علیه السلام - می دهد. از طرفی آیه، موسی را تشویق می کند که نزد فرعون برود و در اجرای امر الهی کوتاهی نکند؛ از طرفی دیگر طریقه برخورد و استفاده از روش های روان شناسی در برخورد با فرعون را گوشزد می کند یعنی بانرم صحبت کردن می توان در طرف مقابل نفوذ کرد. تلاش نگارنده در این مقاله آن است که از تعریف متداول و مفهوم عنوان «جنگ روانی» فراتر نرود. اگر چه در برخی تعاریف، مفهوم عامی از عنوان بحث ذکر شده است. و جنگ تبلیغاتی صرف رامدنظر قرار نداده است. تنها نکته ای که ذکرش لازم می باشد آن است که به عنوان مؤید، آیات فروانی در قرآن کریم دیده می شود که، بیانگر تقویت روحیه رزمندگان اسلام است. نظیر آیاتی که بیانگر حیات شهید، تشویق به جهاد، صبر در جهاد، ایمان به غیب و تاثیرش بر روحیه نیروی رزمنده و... است. از طرف دیگر آیات متعددی وجود دارد که طی آنها روحیه طرف مقابل و دشمن را تضعیف می نماید، مثل : وعده های عذاب و...

سنت

با مطالعه در سنت نیر می توان روایات زیادی جهت تأیید مطلب ذکر کرد. از مهمترین ابواب و روایات این بخش روایاتی است که حاکی از جواز به کار بردن خدعه در جنگ است : «الحرب خدعه» و جنگ روانی از مصادیق بارز «خدعه» است.

«خدعه» در لغت به معنای «مایخدع به» است. یعنی آنچه به وسیله آن خدعه ورزیده می شود که عبارت از «مکر و حیل و فریب» است. (9) از دیدگاه فقه اسلامی، خدعه در جنگ جایز می باشد. علامه حلی (ره) در کتاب «تذکره» و «منتهی» براین مطلب، ادعای اجماع نموده است. (10) روایاتی که علمای اسلام جهت جواز خدعه در جنگ، بدان استدلال نموده اند گویای جواز جنگ روانی است. از جمله این روایات حدیثی است که علامه حلی (ره)

از منابع اهل سنت نقل می‌کند که مربوط به رویارویی حضرت علی - علیه السلام - با عمرو بن عبدود در جنگ احزاب (خندق) می‌باشد : «قال : وروي العامة ان عمرو بن عبدود بارز عليا عليه السلام - فقال : ما احب ذلک يابن اخی، فقال - عليه السلام - لکني احب ان اقتلک فغضب عمرو فاقبل اليه فقال - عليه السلام - به ما برزت لاقائل اثنين فالتفت عمرو فوثب علي عليه السلام - فضربه فقال عمرو خدعتني فقال - عليه السلام - الحرب خدعة» (11) یعنی : عامه روایت کرده اند که چون «عمرو بن عبدود» با علی - علیه السلام - روبرو گشت، گفت : من این امر (مصاف با علی - علیه السلام -) را دوست ندارم، ای پسر برادر، امام علی - علیه السلام - فرمود : اما من مایلیم، آنگاه عمرو غضبناک شد و به سوی امام روان گردید. امام علی - علیه السلام - [از روی خدعه] گفت من به میدان نیامده ام که با دونفر بجنگم پس عمرو متوجه جانبی شد «غافلگیر شد» آنگاه امام جستی زد و به او ضربه ای وارد کرد عمرو گفت به من خدعه زدی و امام فرمود جنگ خدعه است. روایت دیگری است از امام صادق - علیه السلام - که رسول خدا صلی الله علیه وآله - در جنگ خندق فرموده اند : «جنگ خدعه است و هرچه می خواهید در جنگ بگویید»، و این روایت، از جمله مهمترین مستندات جنگ روانی در منابع روایی می‌باشد : «وفي خبر اسحاق بن عمار عن جعفر بن ابیه - عليه السلام - : «ان عليا - عليه السلام - كان يقول لان تحفظني الطير احب الي من ان اقول علي رسول الله - صلي الله عليه وآله - سمعت رسول الله - صلي الله عليه وآله - يوم الخندق يقول : الحرب خدعه، و يقول تكلموا بما اردتم» (12) امام علی - علیه السلام - می‌فرمودند : اینکه مرا از فال بد حفظ کنی بهتر است نزد من از اینکه نسبت بدهم به پیامبر - صلی الله علیه وآله - آنچه رانفرموده است. از پیامبر در روز خندق شنیدم که می‌فرمود جنگ خدعه است و اینکه هرچه می‌خواهید بگویید. روایت دیگری که ناظر به جنگ روانی مسلمین بر علیه دشمن می‌باشد سخنی است از امام علی - علیه السلام - در جنگ صفین که در راستای تقویت روحیه خودی و تضعیف روحیه دشمن است : «قال عدي بن حاتم : ان عليا - عليه السلام - قال يوم التقي هو ومعاوية بصفين فرفع بها صوته يسمع اصحابه : والله لاقتلن معاوية واصحابه، ثم قال في آخر قوله انشاء الله و خفض بها صوته و كنت منه قريبا فقلت يا اميرالمومنين - عليه السلام - انك حلفت علي ما قلت، ثم استثنيت فماردت بذلك؟ فقال ان الحرب خدعة و انا عندالمومنين غير كذوب، فاردت ان احرص اصحابي عليهم كي لايفشلوا ولكن يطعموافيهم، فافهم فانك تنتفع بهابعداليوم انشاءالله». (13) عدي ابن حاتم گوید : علی - علیه السلام - زمانی که در جنگ صفین با معاویه برخورد نمود صدایش را بقدری بلند کرد که اصحابش می‌شنیدند و فرمود : به خدا قسم معاویه و یارانش را می‌کشم سپس در پایان سخن در حالیکه من نزدیک ایشان بودم، با صدای آهسته فرمودند انشاءالله (اگر خدا بخواهد) آنگاه من گفتم ای امیرمؤمنان شما برگفته خود سوگند یاد کردید، و در پایان به خواست الهی مقید کردید، منظورتان چیست؟ حضرت فرمود : «جنگ خدعه است و من در نزد مؤمنین دروغگو نیستم، خواستم با این سخن اصحاب و یاران خویش را تحریض و تشویق نموده تا سست نشوند و [بر آنها غلبه یابند پس ای عدي این سخن را درک کن که بعد از این بدان سود خواهی برد اگر خدای بخواهد].»

احادیث مزبور صحت ادعای ما را تایید می‌کند. علاوه بر خدعه در جنگ که به استناد احادیثی به آن اشاره شد، استراتژی دعوت در برخورد با ملل دیگر از اهمیت ویژه ای برخوردار است. سیره حضرت محمد - صلی الله علیه وآله - و امیرالمومنین - علیه السلام - و بطور کلی حکم فقهی که بازتابی از رفتار و سنت معصومین می‌باشد، بر این امر استوار است که خصوصا در جنگهای ابتدایی - در برخورد با افرادی که باندای اسلام آشنایی ندارند - نخست باید آنان را به سوی آیین رهایی بخش اسلام دعوت کرد. استراتژی دعوت از طرفی گویای حقانیت پیام

اسلام مي باشد که از نتایج آن تقویت روحی رزمندگان اسلام است که با اعتقاد و ایمان راسخ تری به نبرد بپردازند، و از طرف دیگر گویای آن است که طرف مقابل را قدری به تامل و تفکر وا دارد و غبارهایی را که بر فطرت او نشسته، بزداید. چه بسا در صحنه نبرد و جایی که بایستی جان را برکف اخلاص گذاشت و فدا کرد، این غبارها برطرف شده و به خود آیند، چنانچه نمونه های آن را در برخی رویاروییهای جنگی مشاهده می کنیم. دعوت، خود برخوردی روانی است که گویای بحث ما است؛ و دو مورد از مهمترین نتایج آن تقویت نیروی خودی و دیگر تضعیف روحیه طرف مقابل می باشد. آنچه هم در مورد «خدعه در جنگ» و هم «دعوت» قابل ذکر است، اینکه ابزار و وسائل جنگ روانی با استفاده از ابزار متداول در آن زمان شکل می گرفته است. و ابزار تبلیغاتی با بعد وسیع که امروزه در اختیار جوامع بشری است در آن روز نبوده و این پدیده، مختص عصر حاضر است. استراتژی دعوت در سیاست خارجی، و برخورد جهان اسلام با استکبار از اهمیت ویژه ای برخوردار است و در آن مباحثی از قبیل : شرایط داعی، ابزار دعوت، روش دعوت و... مطرح است.

عقل

اگر جنگ روانی با اراده و روحیه طرف مقابل سروکار دارد، باتوجه به عنایتی که اسلام به برخورد مسالمت آمیز و حاکمیت صلح و صفا بر جوامع انسانی دارد، می توان کشف کرد که : کاربرد جنگ روانی برای پایان جنگ و جلوگیری از ادامه خونریزی، از ابزار مهم جنگ بشمار می رود. در وضع فعلی که رسانه های گروهی و امواج تبلیغاتی، تهاجم فرهنگی وسیعی را بر علیه مسلمانان جهان ایجاد کرده اند، عقل حکم می کند که علاوه بر تلاش برای حفظ روحیه خود و کسب شخصیت بایسته اسلامی، باید مقابله به مثل گردد و از وسایل تبلیغاتی مناسب برای شکست تبلیغاتی دشمن بهره گرفته شود. و این ضرورتی انکار ناپذیر است.

چارچوب جنگ روانی در اسلام

امروزه در استراتژیهای ترسیم شده از سوی استکبار، جنگ روانی از جایگاه ویژه ای برخوردار است به عنوان نمونه، جنگ روانی در استراتژی نظامی رژیم اشغالگر قدس بر سه اصل استوار است :

الف) تظاهر به شکست ناپذیری ارتش اسرائیل!

ب) ایجاد شک و تفرقه بین رهبران و مردمان کشور مقابل و نیز افراد ارتش نسبت به فرماندهان

ج) ایجاد تردید در پیروزی قطعی اعراب بر اسرائیل (14)

تفاوت جنگ روانی در اسلام با آنچه در جهان کفر از آن به جنگ روانی یاد می شود، تفاوتی است جوهری؛ که از مبانی عقیدتی نشات می گیرد. برداشت جوامع غرب از این پدیده بر پایه اندیشه های «ماکیاولی» استوار است، که کسب پیروزی را از هر راهی مجاز می داند. چنانچه جنگهای قرن اخیر شاهدی بر اثبات این مدعی است، و نمونه بارز آن جنایات و سفاکی های صربها علیه مسلمانان بوسنی هرزگوین می باشد.

در مطالعه آثار سیاستمدارانی مشهور نظیر : «کلاس ویتز»، «دوهه»، «ژومینی»، «ناپلئون»، «لنین» و «مائو» نیز این مسئله به چشم می خورد. (15) در مکتب اسلام، اگر چه به کارگیری جنگ روانی بر علیه دشمن مجاز شمرده شده است، اما چارچوب خاصی را می طلبد؛ به عبارت دیگر مقید است و نه مطلق، و این امر تا جایی مجاز شمرده شده که به اصول و ارزشها و کرامتهای انسانی - که اسلام برای آن اهمیتی فوق العاده قائل است - لطمه ای وارد نسازد. اگر از نظر جهان غرب بر اساس تعالیم «ماکیاولی» هدف، وسیله را توجیه می کند؛ در اسلام چنین روشی

پذیرفته نیست. چنانچه پیامبر اسلام - صلی الله علیه وآله - در جنگ طائف جهت ایجاد جنگ روانی و در نهایت تسلیم خصم، به قطع اشجار اقدام نمود عملاً این کار را انجام نداد و تنها وانمود کرد که چنین می کند. (16)

امروزه در غرب بمباران هوایی مناطق مسکونی جهت ایجاد رعب و وحشت و استفاده از انواع تبلیغات صوتی و تصویری برای به زانو درآوردن طرف مقابل، امری بدیهی و پیش پا افتاده است، و خود پایه یکی از استراتژی های استکبار را در قرن حاضر تشکیل می دهد. در واقع همانطور که در جنگها، مسلمین از جهت مقصد و انگیزه با مخالفین خود تفاوت دارند از جهت استخدام وسائل در راستای وصول به پیروزی و هدف نیز متفاوتند. چراکه کاربرد وسایل ناجوانمردانه باهدف آنها که نشر فضیلت است، منافات دارد. برخلاف آنکه بنی امیه و در راس آنها معاویه نمونه عینی مکتب ماکیاولیسم می باشد؛ در مقابل «مسلم بن عقیل» به عنوان رزمنده ای مسلمان و نایب حضرت امام حسین - علیه السلام - حاضر نیست با وجود آنکه شرایط کاملاً فراهم است «عبداللہ ابن زیاد» را در خانه «هانی ابن عروه» غافلگیرانه بکشد و می گوید: «انا اهل بیت نکرالغدر» (17)

روایاتی که در تایید جنگ روانی بیان گردید گواه آن است که اسلام از آنجا که مکتبی است که دیانت و سیاست را چون دובال ترقی پذیرفته است، نیازمند نیروهای کارآمد و توانمندی است که باطنی الهی داشته و کیاست و سیاست لازم را برای پیشبرد اهداف الهی، اسلامی دارا باشند. چنین افرادی اگر در جوامعی که اهل آن عادت به شیطنت و فریبکاری دارند و آن را مایه مباهات خود می دانند، قرار گیرند آلوده به فریب ها و فریبکاریها نمی شوند، نه کلاه سر کسی می گذارند و نه کلاه سرشان می رود. در واقع ویژگی چنین نیروهایی آن است که نه آنقدر ساده لوح اند که آلت دست سیاست بازان مادی گرا قرار گیرند و بدینسان ضربات مهلکی که در تاریخ نمونه اش کم نیست برپیکر مقدس اسلام وارد کنند و نه جزو سیاست بازانی هستند که تبعیت از هواهای نفسانی می کنند و بعضاً برای حفظ موفقیت خویش آیاتی را نیز مستمسک عمل خویش قرار می دهند؛ چنین انسانهایی محتاج تربیت اسلامی - خصوصاً در زمینه تربیت سیاسی، اطلاعاتی - می باشند. اینان بایستی از تقوای یک بعدی که برخی گوشه نشینان از آن برخوردارند، فراتر رفته و تقوای جامع را کسب کنند و در عین حضور در صحنه اجتماع و سیاست، تقوی را مراعات نمایند. بایستی متصف به صفاتی خاص باشند تا بتوانند وظایفی نظیر: شناخت اوضاع زمانه به مصداق کلام حضرت امام صادق - علیه السلام - کتمان سر، کسب اطلاعات و هوشیاری و... را بخوبی انجام دهند.

بیان امام علی - علیه السلام - که می فرمایند: «لولا کراهیة الغدر لکننت من ادهی الناس ولكن کل غدرۃ فجره و کل فجرة کفره» (18) بیانگر همین مطلب است. یعنی انسان مسلمان بایستی آن قدر سیاست و هوشیاری داشته باشد که دشمن را شناخته و انواع توطئه های او را آزمایش و کشف کند. درواقع ویژگی روحی و نفسانی یک انسان مسلمان بایستی پیچیده تر از یک انسان سیاست باز ماکیاولیست و منافق باشد، به طوری که قدرت کشف فریب ها و شیطنت های آنها را داشته باشد و هیچ وقت غافلگیر نشود؛ شناخت حیلہ های استکباری و نیرنگهای آنان از لوازم یک انسان کارآمد مسلمان است. در واقع راه مقابله با شیطنت های تبلیغاتی، روانی دشمن، شناخت راهها و مغالطه های آنهاست و با کشف آنهاست که می توان آنها را خنثی کرد.

روایاتی که واژه خدعه در آنها دیده می شود بیانگر آن است که: انسان مسلمان درمقابله بادشمن بایستی تاحدی از این روشها استفاده کند که شرع اجازه می دهد. در این صورت دیگر این روشها را نمی توان نیرنگ نامید بلکه سیاست و زیرکی به حساب می آید و «المؤمن کیس فطن» بیانگر همین نکته است. «الحرب خدعة» یعنی اینکه بایستی درجنگ کیاست و زرنگی و چاره اندیشی را مد نظر قرار داد همچون برخوردهای اطلاعاتی پیامبراسلام -

صلي الله عليه وآله - در جنگ بدر که «مازآبیم» و همچون برخورد هوشیارانه «حذیفه بن یمان» در جنگ خندق که «قنبر» قبل از اینکه دشمن اسم او را بپرسد او پیش دستی می کند و مشخصات طرف مقابل را می پرسد و بدین ترتیب از مهلکه جان سالم بدر می برد. و همچون بیان حضرت ابراهیم - علیه السلام - در قرآن کریم هنگامی که تبر را برگردن بت بزرگتر انداخت و... اینها همه بیانگر مفهومی است که از احادیث بدست می آید و دلایلی برای بحث ما می باشد. در واقع فرق اصلی کیاست و هوشیاری با مکر و حیل و خدعه در مطابقت و عدم مطابقت آن با شرع مقدس است. البته خود شرع در مواردی دستوراتی دارد که از قوانین عمومی خارجند ولی همگی در مسیر اصلاح و سازندگی است. فرق مهم دیگر آنکه خدعه در راه هواهای نفسانی به کار می رود ولی کیاست در راه خدا و آخرت و دین است و علائم آن مشخص است.

جنگ روانی در بستر تاریخ اسلام

پس از آنکه پیامبر اسلام - صلی الله علیه وآله - پس از سه سال دعوت مخفی، دعوت خود را علنی کرد؛ مخالفت های مشرکان مکه نیز به شکلهای مختلف شروع شد. و تطمیع، استفاده از زور و شکنجه و جنگ روانی از آن جمله بود. به عنوان نمونه پیامبر اکرم - صلی الله علیه وآله - درایام حج و غیرآن مردم را به آیین خود دعوت می کرد ولی از آن سوی، ابولهب پشت سرپیامبر - صلی الله علیه وآله - با همان افراد تماس برقرار می کرد و اثربلیغ پیامبر - صلی الله علیه وآله - را بااین بیان که «وی پسر برادر من است و دیوانه است» خنثی می کرد. شکنجه بلال حبشی، یاسر، سمیه، عمار و... نمونه هایی از جنگ روانی دشمن علیه اسلام است. پس از هجرت پیامبر اسلام - صلی الله علیه وآله - به مدینه و نزول آیات جهاد، نبرد سربازان اسلام به فرماندهی پیامبر اسلام - صلی الله علیه وآله - بر علیه کفار و مشرکین وارد مرحله جدیدی می شود. در کمتر جنگ و نبردی است که در آن طرفین جنگ، از جنگ روانی استفاده نکرده باشند. ابزارهای جنگ روانی متناسب با امکانات و وسائل متعارف آن روز بوده است. و بدیهی است که اهداف متعددی را تعقیب می کرده که در نهایت تسلیم طرف مقابل، مدنظر بوده است.

ابزارها و محورهای جنگ روانی را می توان به ترتیب امور ذیل ذکر کرد :

الف - انتشار شایعه؛

ب - رجز خوانی و استفاده از شعارهای رزمی؛

ج - استفاده از اشعار رزمی و حماسی؛

د - لاف زنی و تظاهر به قوی بودن؛

ه - ایراد خطبه و سخنرانی به خصوص در شروع جنگ؛

و - پایبندی به مقدسات خود و حمله به مقدسات طرف مقابل؛

ز - نامه پراکنی و ارسال نامه توسط سفیران؛

ح - مبارز طلبی و همآورد خواهی؛

الف - انتشار شایعه درجنگ، انتشار شایعه مهمترین حربه تبلیغاتی علیه دشمن می باشد. از این رو دست اندرکاران همواره به نیروهای خود متذکر می شوند که اخبار را فقط از کانالهای خاصی بپذیرند. در برخوردهای نظامی صدر اسلام نیز این وسیله در خدمت فعالیت تبلیغاتی علیه حریف به شمار می رفته است. از جمله

شایعات مهم کفار علیه مسلمین در جنگ «احد» شایعه شهادت پیامبر اسلام - صلی الله علیه وآله - بود که تاثیر منفي در روحیه سربازان اسلام داشته است و یا شایعه انعقاد صلح بین حضرت امام حسن مجتبی - علیه السلام - و معاویه توسط سربازان معاویه که باعث تضعیف روحیه مسلمانان گردید و آنان را وادار نمود تا عملاً به صلح تن در دهند. در جبهه اسلام نیز تلاشهای تبلیغی «نعیم ابن مسعود» تازه مسلمانی که نقش مهمی در پیروزی مسلمین در جنگ خندق ایفا کرد، را می توان ذکر کرد و یا عمل به حدیث : «تکلموا بما شئتم» که قبلاً بدان اشاره شد، نشر شایعه را شامل می شود.

ب - رجز خوانی و استفاده از شعارهای رزمی رجز خوانی و انتخاب اسامی رمز و شعارهای رزمی از عوامل عمده تقویت روحیه خودی و تضعیف روحیه دشمن می باشد. شعار از دید اسلامی سخنی است که به وسیله آن افراد جبهه خودی شناخته شده و علامت و رمزی در آن نهفته است. چنانکه حضرت امام صادق - علیه السلام - طی حدیثی می فرمایند :

شعارنا «یا محمد یا محمد» و شعارنا یوم بدر «یا نصر الله اقترب» و شعار المسلمین یوم احد «یا نصر الله اقترب» و یوم بنی نضیر «یا روح القدس ارح» و یوم بنی قینقاع «یاربنا لا یغلبنک»، و یوم الطائف «یا رضوان» و شعار یوم حنین «یا بنی عبدالله یا بنی عبدالله» و یوم الاحزاب «حم لاینصرون» و یوم بنی قریظه «یا سلام اسلمهم» و یوم المرسیع و هو یوم بنی المصطلق «الا الی الله الامر» و یوم الحدیبه «الا لعنة الله علی الظالمین» و یوم خیبر و هو یوم القموص «یا علی آتهم من عل» و یوم الفتح «نحن عباد الله حقا حقا» و یوم تبوک «یا احد یا صمد» و یوم بنی الملوح «امت امت» و یوم صفین «یا نصر الله» و شعار الحسین «یا محمد» و شعارنا «یا محمد» (19) :

شعار ما «یا محمد یا محمد» است، و شعار ما در جنگ بدر «یا نصر الله اقترب» و شعار مسلمین در جنگ احد «یا نصر الله اقترب» و جنگ بنی نضیر «یا روح القدس ارح» و جنگ بنی قینقاع «یاربنا لا یغلبنک» و در جنگ طائف «یا رضوان» و شعار جنگ حنین «یا بنی عبدالله یا بنی عبدالله» و در جنگ احزاب «حم لاینصرون» و در جنگ بنی قریظه «یا سلام اسلمهم» و در جنگ مرسیع که عبارت از جنگ بنی مصطلق است، «الا الی الله الامر» و در جنگ حدیبه «الا لعنة الله علی الظالمین» و در جنگ خیبر که روز سختی بود «یا علی آتهم من عل» و در روز فتح مکه «نحن عباد الله حقا حقا» و در جنگ تبوک «یا احدو یا صمد» و در جنگ بنی الملوح «امت امت» و در جنگ صفین یا نصر الله و شعار امام حسین (در روز عاشورا) «یا محمد» و شعار ما «یا محمد» است. امام علی - علیه السلام - در جنگ جمل جهت تقویت نیروی خود از شعار «یا منصور امت» و یا شعار «حم لاینصرون» که هر دو از ابتکارات جنگی پیامبر - صلی الله علیه وآله - علیه مشرکین است، استفاده می کند. بهره گیری از این شعارها در تزلزل روحیه دشمن تاثیر داشت. زیرا یادآور خاطره نبرد مسلمانان با مشرکین بود. از این رو عایشه نیز در جنگ جمل، جهت تقویت روحیه هوادارانش به تقلید از روش پیامبر اسلام - صلی الله علیه وآله - به برخی رفتارها دست زد.

ج - استفاده از شعار رزمی و حماسی کمتر جنگی در تاریخ اسلام به وقوع پیوسته که از شعر در آن به عنوان ابزاری برای تضعیف روحیه حریف استفاده نشده باشد، یاران امام حسین - علیه السلام - پس از معرفی خود ضمن شعری مکتب و هدف خود را معرفی می کردند؛ تا بدین وسیله قانیت خویش را ثابت کنند. در جریان جنگ احد مسلمانان اشعار کفار را با شعر پاسخ می دادند و بدین وسیله منطق قوی و عالی خود را تبیین می کردند. در جریان جنگ جمل « حکیم بن مناف» با خواندن اشعاری روح تازه ای در کالبد یاران امام علی - علیه السلام - می

دمید. (20) از این رو سرودن شعر در میدان کارزار تاثیر مهمی برجای می گذارد.

د- لاف زنی و تظاهر به قوی بودن در اخلاق فردی خودنمایی و تظاهر از صفات نکوهیده است، اما همین امر در میدان کارزار و در برابر دشمن از صفات نیک به شمار می رود. چنانچه پیامبر رفتار تحقیرآمیز «ابودجانه» را در جنگ احد می ستاید. تظاهر به قوی بودن از دیدگاه روان شناسی، بازدارندگی طرف مقابل را در پی دارد و به حکم آیه «واعدوا لهم ما استطعتم من قوه» (21) باید توانایی های رزمندگان از هر جهت در میدان نبرد تحقق یابد. در تاریخ اسلام هنگام فتح مکه شاهد روشن کردن آتش در اطراف مکه هستیم که باعث دلهره و ترس عجیبی در دشمن می شود. در یکی دیگر از جنگها به علت قلت سپاه اسلام، فرمانده سپاه تصمیم می گیرد تا بایک خدعه جنگی شب هنگام تعداد زیادی از سربازان خود را از نقطه دور به حرکت وادارد و با ندای بلند «الله اکبر» به دشمن بفهماند که نیروی کمکی می آید. و همین امر باعث عقب نشینی دشمن می گردد.

ه - ایراد خطبه و سخنرانی بخصوص در شروع جنگ ایراد خطبه و سخنرانی در ابتدای جنگ در واقع یک اتمام حجت برای طرف مقابل است، که این امر در جنگهایی که یک طرف جبهه واقعی اسلام بوده ولی طرف مقابل داعیه اسلام را داشته مثل جنگهای امام علی - علیه السلام - و امام حسن - علیه السلام - و امام حسین - علیه السلام - تاثیر زیادی در روحیه طرف مقابل داشته و چه بسا افرادی را یا از میدان کارزار دور ساخته و یا علاوه بر دور کردن، داخل در جبهه خودی (اسلام) کرده است. چنانچه در جنگ جمل و جنگ صفین این امر وجود دارد. (22)

و- پایبندی به مقدسات خود و حمله به مقدسات طرف مقابل در جنگ صفین وقتی معاویه در آستانه شکست کامل قرار گرفت، با کمک عمروعاص بهترین وسیله برای فائق آمدن بر جو موجود را در سرنیزه کردن قرآن دانستند با اینکه در واقع اعتقادی بدان نداشتند. و همین مسئله که درواقع مقدسات طرف مقابل را مستمسک قرار داده بودند، موجب پیدایش تفرقه در سپاه امام علی - علیه السلام - و در نهایت تن دادن به حکمیت توسط آن حضرت شد. در جنگ جمل نیز عایشه تلاش دارد از جملات و ادعیه ای که پیامبر اسلام - صلی الله علیه وآله - در جنگها از آنها استفاده می نمودند، جهت تقویت سپاه خود بهره گیرد. البته اگر سپاه متشکل از افرادی آگاه باشد این شیوه نه تنها موجب تزلزل نمی گردد بلکه باعث وحدت و انسجام آنان می شود. حضرت امام حسین - علیه السلام - نیز برای تقویت روحی اصحاب خود و تضعیف روحیه طرف مقابل به کلمات پیامبر اسلام - صلی الله علیه وآله - و رساندن نسبت خود به حضرت محمد - صلی الله علیه وآله - و حضرت زهرا - سلام الله علیها - تمسک می کند و یزید و معاویه را محکوم نموده، سنتهای جاهلی و آنچه در سیره خلیفه غیر حق در جامعه متداول گشته را رد می کند.

اهداف جنگ روانی

هدف غایی جنگ روانی تسلیم طرف مقابل است. منتهی تاکتیک های وصول به تسلیم خصم متعدد است و از جمله آن؛ ایجاد تفرقه است. چنانچه «نعیم ابن مسعود» در جنگ خندق انجام داد که تفرقه نهایتاً منجر به تسلیم شد. اهداف دیگری را که می توان برآن مصادیق روشنی در تاریخ اسلام یافت ذیلاً فهرست وار ذکر می

کنیم و بحث پیرامون آنها را به فرصت دیگری موکول می‌کنیم :

- 1- اقناع و تسلیم؛
- 2- تفرقه؛
- 3- فریب دشمن؛
- 4- ایجاد تردید و شبهه در پیروزی و حقانیت طرف مقابل؛
- 5- تحریک عواطف و احساسات؛
- 6- تقویت نیروی خودی؛
- 7- ایجاد رعب و ترس در قلب دشمن؛

پی‌نوشت‌ها :

(x) این مقاله در تاریخ 29/2/72 در سمینار «جنگ روانی» در دانشگاه امام حسین (ع) تهران ارائه گردیده است.

Psychological warfar-1

2- جمعی از نویسندگان، موسوعة السياسة، 5 جلد : (مؤسسة العربيه للدراسات والنشر، بیروت، 1990م) چاپ سوم، جلد2، ص 215.

3- کالینز، جان. ام، استراتژی بزرگ، ترجمه کورش بابندر، (تهران، دفتر مطالعات وزارت خارجه، 1370) ص 478.

4- دراینجای تعاریف دیگری نیز مطرح است که درآنها دایره جنگ روانی را وسیعتر شمرده اند که بعنوان نمونه می‌توان تعریف ذیل را ذکر کرد : «تبلیغات طرح ریزی شده و سایر اقدامات روانی است که به منظور نفوذ در عقاید، احساسات، حالات، و رفتار گروه‌های مورد نظر از آنها استفاده می‌شود.»

5- آل عمران : 144

6- همان : 140

7- نساء : 104

8- طه : 44

9- قاموس المنجد، ماده خدع، و نیز : ر. ک : فرهنگ معین

10- نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، چ 3، 43 جلد، (دارالکتاب الاسلامیه، تهران، 1362) ج 21، ص 80.

11 و 12- همان، ص 79، به نقل از وسائل الشیعه، باب 53 از ابواب جهاد

13- همان، ص 80

14- ربابه نمازی اسماعیل، استراتژی اسرائیل، دوجلد، (نشر سفید، تهران، 1368) ص 76.

15- ر. ک به : علی باقری، کلیات مبانی جنگ و استراتژی (مرکز نشر بین المللی، بی‌م، بی‌تا) ص 6.

16- جعفر سبحانی، فروغ ابدیت، قم، چ دوم، ص 362.

17- مرتضی مطهری، حماسه حسینی، سه جلد، چاپ چهارم، (انتشارات صدرا، قم، 1366)، ج 3، ص 118.

18- نهج البلاغه، فیض الاسلام، خطبه 191.

19- نجفی محمد حسن، پیشین، ص 55.

20- جعفر سبحانی، پیشین، ص 410.

21- انفال : 60

22- جعفر سبحاني، همان، ص 404 ، 483 - 534.